

# فضایل امام علی علیه السلام در آینه شعر فارسی شاعران معاصر اهل سنت افغانستان

سیدجمال الدین موسوی<sup>۱</sup>

## چکیده

امام علی بن ابی طالب علیه السلام از شخصیت‌های بزرگ و بی‌بدیل در جهان بشریت است که در طول تاریخ مورد مدح و ستایش بزرگان ادیان و مذاهب قرار داشته است. مسلمانان جهان اعم از شیعه و اهل سنت با توجه با جایگاه و نقش حضرت علی علیه السلام در اسلام به‌انحاء مختلف شخصیت ایشان را مورد توجه قرار داده و فضایل فراوانی را برای آن حضرت برشمرده‌اند. برای نمونه اهل سنت افغانستان یکی از جوامع دوستدار آن حضرت بوده است که به دلایل مختلف مذهبی و عرفانی و فرهنگی و اجتماعی در این زمینه پیشگام بوده‌اند. شخصیت‌های مختلف اهل سنت افغانستان، عشق و محبتشان را نسبت به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان شیعه به‌ویژه حضرت علی علیه السلام در نظم و نثر به ثبت رسانیده‌اند. در این نگارش سیما، شخصیت و فضایل حضرت علی علیه السلام را در آینه شعر فارسی تنی چند از شاعران معاصر اهل سنت افغانستان که در طیف‌های سه‌گانه فرهنگی و اجتماعی، مذهبی و سیاسی قرار دارند بررسی کرده‌ایم. سراینده‌گان باآنکه با نوع گرایش فکری خویش به بازخوانی شخصیت امام علی علیه السلام و بیان فضایل بی‌شمار ایشان رفته‌اند اما نگاه نازک‌خیالانه و شاعرانه به بیان شخصیت و فضایل آن امام همام وجه مشترک سروده‌های ایشان است.

## کلیدواژگان

امام علی بن ابی طالب علیه السلام، فضایل، افغانستان، شعر فارسی، شاعران معاصر.

۱. دانش‌پژوه دوره دکتری رشته جریان‌های کلامی معاصر در جهان اسلام.

## مقدمه

شرح حال‌نگاری که از آن با سیره‌نگاری نیز یاد می‌شود در جهان اسلام سابقه نسبتاً طولانی دارد و طی مراحل مختلف در بخش‌های تاریخ، حدیث، ادبیات و... شکوفا گردیده است. مسلمانان در این راستا کتاب‌های جامعی را به وجود آوردند. منابع شرح حال‌نگاری در جهان اسلام شامل منابع عمومی و تخصصی است که برخی از آنها با عناوین چون: (طبقات)، (قاموس الرجال)، (اطلس)، (تراجم احوال)، (تذکره) و... مشهورند. در این میان برخی چهره‌های برجسته در جهان اسلام به دلیل دارا بودن کمالات معنوی و جایگاه مهم، بیشتر مورد توجه شرح حال‌نگاران و نویسندگان قرار گرفته‌اند و شخصیت و فضایل آنها در منابع شرح حال‌نگاری و در منابع اختصاصی بیشتر مورد بررسی قرار گرفته است.

بیان شرح حال افراد شامل بخش‌های مختلف است و نگاه ایجابی به شخصیت و زندگی افراد با بیان فضایل و ویژگی‌های آنها یکی از بخش‌های مهم آن است که در آن مسائل چون: فضایل اخلاقی، میزان معلومات و درجات علمی، کارهای اجتماعی، زندگی سیاسی، سفرهای مؤثر، هویت شخصی و خانوادگی، دورنمایی از زندگی فردی و اجتماعی و حوادث استثنایی و ارزشمند زندگی اشخاص مورد توجه قرار می‌گیرد. این بخش از سرگذشت افراد را در دو بخش شعر و نثر می‌توان دریافت. شاعران مسلمان در کنار موضوعات چون: وصف و نعت خداوند، دنیا و مظاهر طبیعت، مباحث علمی و نعت ممدوحین مجازی خویش، چهره‌های برجسته را مورد توجه قرار داده‌اند و با برشمردن کمالات و فضایل معنوی ایشان، برجستگی آنان را نسبت به دیگران روشن ساخته‌اند.

امام علی علیه السلام یکی از شخصیت‌های برجسته تاریخ بشریت است که نامش در مجموعه‌های شعری شاعران بزرگ درخشش دارد. در بیان فضایل و مناقب گهربار ایشان سروده‌های فراوان از جانب سراینندگان شاعران ملل گوناگون به وجود آمده است. سراینندگان فارسی‌گو از پیشگامان این عرصه است که خود به حوزه‌های جغرافیایی، فرهنگی و مذهبی گوناگون تقسیم می‌شوند. در این نگارش سعی شده است پس از معرفی اجمالی افغانستان امروزی که یکی از حوزه‌های مهم زبان فارسی است پردازیم. بخش اصلی این نگارش نیز بیان

جایگاه امام علی علیه السلام در میان جامعه اهل سنت افغانستان و جایگاه فضایل و مناقب ایشان در سروده‌های فارسی شاعران معاصر اهل سنت این کشور است. از آنجای که شاعران فارسی سرای افغانستان جمع کلانی را در بردارد در اینجا برای نمونه دوازده تن را گزینش و اشعار آنان را از مجموعه‌های شعری ایشان و از منابع تاریخ و ادبیات افغانستان به دست آورده‌ایم.

### ۱. افغانستان

افغانستان به‌عنوان نام یک سرزمین، اصطلاح جدیدی است که در قرن ۱۹ میلادی بر این سرزمین نهاده شد. افغانستان کنونی با وسعت جغرافیایی حدود ۶۵۰/۰۰۰ کیلومتر مربع<sup>۱</sup> هم‌جوار و هم‌مرز با کشورهای ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان در قسمت شمالی، چین در قسمت شمال شرقی، پاکستان از جانب جنوب و جنوب شرقی و ایران از ناحیه غرب است. این کشور نقطه اتصال سه حوزه‌ی شبه‌قاره هند، ایران و آسیای مرکزی است و همین ویژگی افغانستان را از نگاه سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی اهمیت فوق‌العاده‌ای داده است.<sup>۲</sup>

در افغانستان اقوام و قبایل مختلف با فرهنگ‌ها، زبان‌ها و گویش‌های گوناگون زندگی می‌کنند. قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان مصوب سال ۱۳۸۲ ش از چهارده قوم نامبرده و از دیگر اقوام به سایر اقوام نامبرده است. ملت افغانستان متشکل از اقوام ذیل است: پشتون، تاجیک، هزاره، ازبک، ترکمن، بلوچ، پشه‌یی، نورستانی، ایماق، عرب، قرقیز، قزلباش، گوجر، براهوی و سایر اقوام.<sup>۳</sup> دو زبان فارسی و پشتو گویندگان زیادی دارند؛ و از میان این دو نیز فارسی رواج بیشتری دارد.<sup>۴</sup> قانون اساسی افغانستان هر دو زبان دری و پشتو را زبان رسمی کشور معرفی می‌کند.<sup>۵</sup> ۹۹٪ ساکنان افغانستان اسلام (حنفی، جعفری و

۱. صدیق فرهنگ، میر محمد، افغانستان در پنج قرن اخیر، ج ۱، ص ۳۱.

۲. غبار، میر غلام محمد، پیشین، ج ۱ ص ۸.

۳. قانون اساسی افغانستان، مصوب سال ۱۳۸۲ ش، ماده چهارم.

۴. بختیاری، محمد عزیز، شیعیان افغانستان، ص ۲۲-۲۱.

۵. قانون اساسی افغانستان، ماده شانزدهم.

اسماعیلی) است. کمتر از یک درصد نیز پیروان ادیان هندو و سیک در این کشور می‌زیند.<sup>۱</sup>

## ۲. شعر فارسی و قلمرو آن در افغانستان معاصر

شعر یکی از بخش‌ها و ستون‌های مستحکم در ادبیات و فرهنگ جوامع انسانی محسوب می‌شود. بر اساس تعریف علمی و دقیق امروزی، شعر «گره خوردگی عاطفه و تخیل است که در زبانی آهنگین شکل گرفته باشد»؛ بنابر این تعریف عناصر سازنده شعر عبارت است از: عاطفه، تخیل، زبان، موسیقی و تشکل. انواع شعر عروضی فارسی نیز عبارت است از: قصیده، غزل، قطعه، مثنوی (دوگانه)، رباعی (چهارگانه)، دوبیتی، ترجیع‌بند و ترکیب‌بند، مسمط، مستزاد و چهارپاره.<sup>۲</sup>

در افغانستان معاصر (صدسال اخیر) شعر فارسی از جایگاه مهمی برخوردار است. شاعران فارسی‌گوی و سایر گویش‌ها (شاعران از اقوام پشتون، ترک‌تبار، ازبک، بلوچ و...) در این سرزمین، به زبان فارسی سروده‌های خویش را در موضوعات مختلف ایجاد نموده است. نویسندگان صاحب‌نظر، در تاریخ ادبیات فارسی افغانستان، ادبیات شعر معاصر را در این کشور به سه دوره تقسیم نموده است.

دوره نخست: طی سالیان ۱۳۰۰-۱۳۲۰ ش که در این دوره و این دهه بر اثر تحولات سیاسی مانند مشروطه‌خواهی، تقابل سنت و مدرنیته، مبارزات استقلال‌خواهی در برابر انگلستان، شعر رئالیسم اجتماعی افغانستان را فراگرفته بوده است.

دوره دوم: از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۶۰ ش را در برمی‌گیرد که در این دوره مضامین دینی (شامل اخلاقی، عرفانی و مذهبی)، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی (تحولات سیاسی، تغییرات مهم در اداره کشور توسط قدرت‌های مختلف سیاسی، پیدایش نظام‌های فکری سیاسی همانند اخوانیسم، کمونیسم، مائوئیسم) زمینه‌ساز فراگیری

۱. بختیاری، پیشین، ص ۲۰.

۲. احمدی گیوی، حسن و دیگران، زبان و نگارش فارسی، ص ۱۳۲.

در شعر فارسی گردید.

دوره سوم: از سال ۱۳۶۰ ش تا اکنون است که در این دوره دو جریان شعری مستقل در افغانستان رواج دارد: یکی، جریان خط مقاومت است و دیگری جریان طرفداری از اسلوب‌های فکری، ذوقی و آفرینشی که مبتنی بر اساس رئالیسم اجتماعی و سوسیالیستی است. در این دوره بر اثر تحولات سیاسی گسترده در کشور و منطقه، عده زیادی از شاعران به یکی از این دو جریان پیوستند که جریان غالب جریان مقاومت بوده است. جریان مقاومت نیز گروه‌های مختلفی را در برمی‌گیرد؛ مانند جریان شاعران مجاهد که برای دفاع از کشور در مقابل روس‌ها به جبهه‌های جنگ پیوستند و سروده‌هایشان را در این راستا آفریدند؛ و یا شاعران مهاجر که در پی تحولات سیاسی کشور به نقاط مختلف دنیا تن به هجرت دادند و غم دوری از میهن و غم غربت را به شعر کشیدند.<sup>۱</sup>

در لابه‌لای این سه دوره تاریخی ادبیات شعری افغانستان، شاعران فارسی‌زبان و فارسی‌سرای این کشور موضوعات مختلفی را در نظر داشته‌اند. دین و مذهب، عرفان و تصوف، هنر، تاریخ، سیاست، جامعه، فرهنگ و... نمونه موضوعات مختلفی است که سراینده‌گان در آفریده‌های ادبی‌شان جای داده‌اند.

### ۳. جایگاه امام علی علیه السلام در میان اهل سنت افغانستان

اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله به‌ویژه حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه السلام در میان مردمان اهل سنت افغانستان از جایگاه مهم و والایی برخوردار است. مزارات برخی از علویان و ابناء اهل بیت علیهم السلام مانند یحیی بن زید در شمال افغانستان، مزار عبدالله از ابناء جعفر بن ابیطالب در هرات و مزار منسوب به حضرت علی علیه السلام در بلخ و نظرگاه حضرت علی علیه السلام و حضرت ابوالفضل العباس علیهما السلام در کابل در طول فصل‌های سال، زیارتگاه مشترک شیعیان و اهل سنت این کشور است.<sup>۲</sup>

باشندگان اهل سنت این کشور در هنگام یاد نمودن از حضرت علی علیه السلام تعبیر

۱. کهزاد، احمدعلی و دیگران (پنج استاد)، تاریخ ادبیات افغانستان، ص ۴-۱۰.

۲. سعیدی جرغی، احمد، جایگاه اهل بیت علیهم السلام در افغانستان، ص ۴۰ و ۴۱.

چون: شاه ولایت، شاه اولیاء، حضرت شاه، سخی، شاه اولیاء و صاحب مزار را در شأن و شخصیت آن حضرت به کار می‌برند. آنان بر این باورند که بعد از شهادت آن حضرت پیکر مبارکش به مرکز ولایت بلخ که در چهل کیلومتری بلخ قدیم موقعیت دارد منتقل گردید؛ و به دلیل دفن شدن پیکر حضرت علی علیه السلام در آنجا، صدها سال است که به نام «مزار شریف» مسما گردیده؛ «و دیار مولا علی علیه السلام» از دیگر القاب این شهر است. در آغاز هرسال نو خورشیدی که گفته می‌شود مصادف است با اولین روز تعیین حضرت علی علیه السلام به‌عنوان جانشین پیامبر و خلیفه چهارم مسلمانان، جشن بزرگی در این مکان برگزار می‌گردد که همه‌ساله هزاران نفر از سراسر افغانستان در این مکان جمع می‌شوند.<sup>۱</sup>

در میان شخصیت‌های برجسته اهل سنت افغانستان بوده‌اند کسانی که وجود مبارک آن حضرت را منحصر در بلخ ندانسته‌اند. کسانی چون نورالدین عبدالرحمن بن احمد بن محمد، معروف به جامی (۷۹۳ — ۸۷۱ ق) ملقب به خاتم‌الشعرا خراسان در این باره سروده‌ای دارد که بر سر درب ورودی مزار منسوب به آن حضرت حک شده و آن سروده چنین است:

گویند که مرتضی علی علیه السلام در نجف است

در بلخ بیا بین چه بیت الشرف است

"جامی" نه عدن گوی نه بین الجبلین

خورشید یکی و نور او هر طرف است

#### ۴. فضایل امام علی علیه السلام در شعر شاعران فارسی سرای معاصر اهل سنت افغانستان

در طول تاریخ در میان همه‌ی نحله‌های فکری و نیز در جامعه، طیف مهمی وجود داشته که باورهای مکتبی‌شان و نیز حوادث و جریانات که در جامعه رخ می‌داده را با نازک‌خیالی شاعرانه به نظم درمی‌آوردند. غالب شاعران خراسان زمین از دیرباز تاکنون، گذشته از مقام و تعلقات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی که

۱. انصاری، عبدالقیوم، این حریم حرم مرتضویست، (جزوه منتشرشده درباره روضه سخی) افغانستان، ص ۱-۱۰.

داشته‌اند، در یک امر باهم اتفاق نظر داشته‌اند و آن محبت پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت طاهرینش شامل علی علیه السلام و اولاد علی علیه السلام بوده است.

شاعران معاصر اهل سنت فارسی سرا افغانستان که در این نگارش به شخصیت آنان و سروده‌هایشان پرداخته‌ایم از درون اقوام مختلف: تاجیک، پشتون، ازبک و ترکمن برخورداریم که وجه مشترک آنان پیروی از مذهب فقهی حنفی و کلام ماتریدی است. برخی از آن‌ها نیز به‌نوعی به سلسله‌های تصوف و مباحث عرفانی تعلق خاطر دارند. این افراد به لحاظ شغلی و موقعیت اجتماعی نیز به بدنه سیاست کشور، ارتش و یا بخش‌های نظامی و عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و ادبی، تعلق و یا فعالیت داشته‌اند. در این نوشتار به‌عنوان نمونه از هر طیف فکری، فردی را به معرفی گرفته‌ایم و سپس با ذکر سروده‌اش در شخصیت و فضایل حضرت علی علیه السلام، در حد توان سروده را مورد تحلیل قرار داده‌ایم.

#### ۱- شاه محمد فضل الله مجددی

محمد فضل الله مجددی معروف به شاه فضل الله فرزند شاه غلام نبی از صوفیان شهیر نقشبندی مجددی افغانستان در سال ۱۱۸۴ ق در ولایت قندهار افغانستان به دنیا آمد. بعد از فراگرفتن علوم ابتدائی به امر پدرش در زمره شاگردی شاه صفی الله مجددی از عارفان نقشبندی مجددی قرار گرفت. بعد از مدت‌ها شاگردی شاه صفی الله مجددی به مقام ارشاد دست‌یافت. وی پس از زیارت بیت‌الله‌الحرام به قندهار بازگشت و در همان‌جا درگذشت. کتاب *عمدة المقامات* - در شرح احوال خاندان و پیروان طریقت مجددیه از شیخ احمد سرهندی (بنیان‌گذار طریقت مجددیه نقشبندیه) تا زمان مؤلف - که در نوع خود از منابع معتبر این طریقت محسوب می‌گردد، یکی از آثار شاه فضل الله مجددی است. این اثر یک‌مرتبه در لاهور پاکستان و بار دیگر نیز در شهر جلال‌آباد افغانستان منتشر شده است.<sup>۱</sup>

شاه فضل الله مجددی علاوه بر نثرنویسی به شعر و نظم نیز تسلط داشته است.

۱. مجددی، خواجه محمد فضل الله، عمدة المقامات، صص ۱-۱۰.

نمونه سروده‌های وی در لابه‌لای کتاب عمدة المقاماتش در قالب غزل و دوبیتی مشهود است. وی در این اثرش به ستایش خداوند، مدح و ثنا حضرت رسول صلی الله علیه و آله، پنج‌تن آل عبا، دوازده امام شیعه، صحابه و تابعین، پیران طریقت، شخصیت‌های طریقت نقشبندیه مجددی پرداخته است. نمونه سروده وی در وصف مولای متقیان امیر مومنان علیه السلام مثنوی زیر است.

<p>مشرق و مغرب انوار تویی اولیاء را توقرة العینی به ولای تو تا که دم نزنند که ز قلابیش بسی تنگم کارم از یک نگاه در سازی در رخت به ز خاک راه نیم بنهی بر سر من از کرمی ز گدایی گذشته شاه شوم به کلاب درت سرافکنده به همه اهل بیت و احبابش ای سرم خاک باد بر قدمت نیست رویی وسیله‌ای دیگر<sup>۱</sup></p>	<p>اول و آخر ابرار تویی یا علی پادشاه کونینی به ولایت کسی قدم نزنند در مس قلب زشت پر زنگم یک نگاهی نموده زر سازی گرچه من لایق نگاه نیم لیک در رهگذار گر قدمی زان شرافت بر اوج ماه شوم شاه گردم ولی کمین بنده بر رسول کریم و اصحابش نکنم رد ز درگه کرمت (فضل) را جز جناب حضرت تو</p>
---	---

شاه فضل‌الله مجددی سیما و شخصیت حضرت علی علیه السلام را از سه جنبه در آینه شعری خویش به تصویر کشیده است. نخست جایگاه عرفانی آن حضرت را بیان داشته که در این زمینه ولایت مهم‌ترین مسئله است که وی شرط قدم‌گذاشتن به دایره ولایت را پذیرش ولایت عرفانی آن حضرت دانسته است. جنبه دیگر نقش، جایگاه و تأثیر آن حضرت در دستگیری نیازمندان است. وی در این مورد آن حضرت را صیقل دهنده‌ی قلب‌های زنگارزده خطاب نموده که با یک نگاه می‌تواند مشکل گشای ایشان باشد. مسئله اخیر نیز نیاز و احتیاج است



که وی در خویشتن می‌بیند و بهترین راه در رفع آن را دامن‌زدن و چنگ‌زدن به وجود مبارک آن حضرت می‌داند. وی برای بیان این نیاز از تعابیر چون (کلب درگاه)، (گدای درب)، (خاک قدم) و (وسیله‌ای بزرگ) استفاده نموده است.

## ۲- محمد عمر خان

محمد عمر خان از شاعران و دولت‌مردان عصر شاه‌زمان نوه احمدشاه ابدالی و شیرعلی خان بوده که درگذر دیوان‌بیبگی شهر کابل به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات طی سالیان ۱۲۶۰ ق تا ۱۲۹۱ ق (دوره امیر شیرعلی خان) در بخش‌های مختلف حکومتی به‌ویژه در سمت شمال افغانستان خدمت کرد. در مدت‌زمان که در شهر مزار شریف (بلخ) اقامت داشت سروده‌ای را در وصف مزار منسوب به حضرت علی علیه السلام در بلخ سروده که در ذیل ذکر می‌گردد.

این مکانی است کسی را که گذار است این جا

مستی و سرخوشی و چشم خمار است این جا

اندرین جا بوزیده است گهی باد خزان

بلبل و غنچه گل جوش بهار است این جا

غرقه‌گان را خبری نیست ازین جای نجات

ورنه از موج گران‌دست کنار است این جا

هر که را رنگ بود آینه دیده و دل صیقل

زنگ دل و رفع غبار است این جا

سر به میدان بنه و گوی صفت تا ظفرش

دیده بگشای و بین شهسوار است این جا

سرکشی تندی و خودبینی بجوی می‌نخرد

خسته‌دل باش دل‌خسته به کار است این جا

گر تو میخانه و مسجد طلبی راست (عمر)

زردی‌گونه و می لاله‌عذار است این جا

محمد عمر خان در غزل فوق شرافت بلخ را به وجود بارگاه منسوب به

امیرالمؤمنین علیه السلام دانسته و آن حضرت را پناهگاه بی‌پناهان، آینه‌ای صاف برای

صیقل زدن قلب‌های زنگارزده و غبارآلود دانسته است. وی وجود آن حضرت و بارگاه منسوب به او را در دیار بلخ با نازک‌خیالی شاعرانه خویش، سبب جوشش و رویش گل، بلبل، غنچه و بهار در بلخ پنداشته که این عناصر در حقیقت طبیعت و فضای بلخ را زیباتر ساخته است؛ اما شاعر، زیبایی موردنظر خویش را فراتر از حس ظاهری می‌داند و معتقد است باید این فضای زیبا را با عمق وجود احساس نمود. لزوم رعایت ادب هنگام حضور در چنین مکان ملکوتی یکی از شرایطی است که وی تأکید بر رعایت آن دارد و معتقد است هنگامه حضور، باید با کنار نهادن صفات و رذایل اخلاقی، با چشم دل حضور یافت.<sup>۱</sup>

### ۳- عایشه درانی

عایشه درانی ملقب به عایشه افغان فرزند یعقوب علی‌خان توپچی<sup>۲</sup> در اواخر سده یازده قمری در خانواده‌ای از تبار سدوزائیان قوم پشتون در محله اونچی باغبانان کابل متولد شد. آن‌طور که از اشعارش پیداست وی تحصیلاتش را با علوم متداول مرسوم زمانش در محل زندگی‌اش به اتمام رسانید. با بررسی وضعیت مذهب در افغانستان و قراین موجود در زندگی و اشعار وی می‌توان دریافت که عایشه درانی در فقه پیرو مذهب حنفی، در کلام پیرو مکتب ماتریدی و در تصوف پیرو طریقت قادریه بوده است. عایشه نخستین شعرش را در سن ۲۰ سالگی در حضور تیمورشاه درانی در وصف افق آفتاب شهر کابل سرود؛ که به سبب این شعر تیمورشاه درانی وی را مورد تشویق و مرحمت خویش قرار داد.<sup>۳</sup>

علاوه بر کشمکش‌های سیاسی شاهان عصرش بر سر قدرت که به شدت وی و مردم زمانش را رنج می‌داده، تلخ‌ترین حادثه زندگی وی مرگ فرزند جوانش فیض طلب بوده که به‌مانند پدرش افسر نظامی بوده است و در زمان محمودشاه درانی در جنگ با سیک‌ها در کشمیر کشته شده است. این مسئله ضربه روحی

۱. راد، سیدمحمود، شاعران دری پرداز کابل، ص ۳۲۰.

۲. از افسران برجسته دوره احمدشاه و فرزندش تیمورشاه درانی.

۳. کهدوئی، محمدکاظم، ادبیات افغانستان در ادوار قدیمه، ص ۵۰۲.

سختی بر وی وارد نمود. طوری که بخش زیادی از سروده‌هایش را به مرگ تراژیک فرزند جوانش اختصاص داده است. وی سرانجام در سال ۱۲۳۵ ق از دنیا رفت و در قبرستان زادگاهش به خاک سپرده شد.

تنها اثر موجود از وی دیوان اشعار است که آن را در روز پنج‌شنبه ۲۶ رجب سال ۱۲۳۲ هجری قمری به پایان رسانده است. عایشه در شعر بیشتر از همه تحت تأثیر خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی قرار داشته است. وی علاوه بر اشعار حافظ، اشعار شاعران بزرگ چون سعدی، سنایی غزنوی، عراقی، همایی اصفهانی و احمد جام را از نظر گذرانده است. عایشه درانی اشعارش را در قالب قصیده، غزل، مثنوی، مخمس، ترجیع‌بند و رباعی، دوبیتی، قطعات و شکواییه‌ها سروده است.<sup>۱</sup>

وی در سروده‌های مذهبی‌اش که بیشتر در میان قصاید و غزلیات دیوانش جای دارد، ۱۸ سروده‌ای اختصاصی در مدح و ثنا پیامبر عظیم‌الشأن اسلام و اهل بیت طاهرینش شامل: امام علی علیه السلام، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، دوازده امام معصوم، حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام و امام حسین و شهیدان کربلا سروده است.

سروده‌های عرفانی وی در مورد اهل بیت علیهم السلام، به گونه‌ای با پندارهای عقیدتی شیعه در مورد آن بزرگواران سازش دارد که اگر کسی نسبت به مذهب فقهی و کلامی شاعر ناآشنا باشد به تشیع اعتقادی او باور می‌یابد. نمونه‌ای از سروده‌های وی در توصیف شخصیت حضرت علی علیه السلام، ابیات زیر است.<sup>۲</sup>

ساقی کوثر به فریادم برس	حیدر صفدر به فریادم برس
فاتح خیبر به فریادم برس	در غم مگذار تنها یا علی
هادی و رهبر به فریادم برس	مشکلم بگشای بالله یا علی
صاحب و سرور به فریادم برس	شاه مردان شیر یزدان یا علی
پنج پر گوهر به فریادم برس	معدن علم و حیا کان سخا

۱. درانی، عایشه، دیوان اشعار، با مقدمه و ویراستاری دکتر عفت مستشارنیا، ص ۵۶-۵۵.

۲. همان، ص ۳۵.

در دریای ولایت یا علی      باطن و ظاهر به فریادم برس  
یا غیاث المستغیثین یا علی      بر عدو ناصر به فریادم برس  
عایشه افتاده دایم روز و شب      چون سگت بر در به فریادم برس<sup>۱</sup>

عایشه درانی در این ابیات حضرت علی علیه السلام را به عنوان فریادرس و غیاث المستغیثین توصیف نموده که دستگیر دردمندان چون اوست. وی خویشان را کلب درگاه آن حضرت برشمرده است. وجود صفات و فضایل چون: ساقی بودن حوض کوثر، فاتح خیبر، هادی و رهبر، صاحب و سرور و در دریای ولایت بودن را در حق آن حضرت دانسته است. عایشه درانی مشابه این سروده، سروده‌های دیگری نیز در وصف امام علی علیه السلام دارد که در فراق فرزندش فیض طلب که در جنگ کشته شده از سوز و درد جدایی فرزندش برای آرامش خویشان به آن حضرت پناه برده است.

#### ۴- سردار احمدخان

سردار احمدخان دهمین فرزند پسری امیر دوست محمدخان (۱۲۴۲ - ۱۲۵۵ ق پادشاه افغانستان) از سیاستمداران و از نظامیان مشهور افغانستان بوده است. وی در زمان ولایت برادر ارشدش محمدافضل خان (متوفی ۱۲۸۴ هـ ق در کابل و از پادشاهان افغانستان) در شمال افغانستان، همراه او به آنجا آمد و در مدت حضورش همواره به زیارت روضه سخی (مزار منسوب به حضرت علی علیه السلام در بلخ)، می رفته است. وی قصیده‌ای طولانی را در وصف حضرت علی علیه السلام سروده است که تا به امروز در کاشی‌های سمت شمالی روضه سخی تزیین شده است. ابیات از این قصیده‌ای طولانی که وی سیما و شخصیت حضرت علی علیه السلام را از نگاه خویش ترسیم نموده، مورد زیر است.

سر بسر گنجینه‌ای دل، پر ز مهر حیدر است  
هر که را حب علی علیه السلام، در دل نباشد کافر است  
راست گویم با تو ای، مؤمن اگر داری تو صدق

۱. همان، ص ۱۹۸.

زانکه یار چارمین، حضرت پیغمبر است  
 پیش برق تیغ او، اعدای دین احمدی  
 بر زمین افتاده هم چون، توده خاکستر است  
 یار پاک مصطفی، مشکل گشا شیر خدا  
 صاحب تاج کرامت، جانشین منبر است  
 جمله شاهان جهان، بر درگهش رو بر زمین  
 چاوشان چاوشانش، قیصر و اسکندر است  
 باب جنت را کلید فتح، اندر دست اوست  
 ساقی فیاض حوض، روح بخش کوثر است  
 ما کجا و وصف، نام پاکت ای عیسی نفس  
 زانکه روح پاکت از انفاس عیسی برتر است  
 خادمان بارگاهش، جملگی سلطان بود  
 هریکی در مرتبه، صاحب قران دیگر است  
 عالم اسرار غیب و واقف علم لدن  
 رتبه‌ی والایش، از افلاک و انجم ازهر است  
 این سخن بشنو ز من، ای دوست بر گوش یقین  
 هرکسی زین آستان شد دور، خاکش بر سر است  
 از حریم خویش، بیرونم مکن بهر خدا  
 (احمد) بیچاره از کلبان، کلب این در است<sup>۱</sup>  
 وی در این قصیده‌ای طولانی به زوایای مختلف از شخصیت حضرت  
 علی علیه السلام اشاره نموده است. محبت، شجاعت، علم، طینت پاک، جانشینی  
 پیامبر صلی الله علیه و آله، باب الجنة، ساقی کوثر، مشکل گشای مشکلات، نمونه صفات و  
 تعبیرات وی در شأن و شخصیت آن حضرت است.

۱. انصاری، عبدالقیوم، این حریم حرم مرتضویست، ص ۸.

## ۵- خواجه مستان شاه کابلی

خواجه مستان شاه کابلی از عارفان بزرگ طریقت چشتیه و از شاعران غزل‌سرای برجسته افغانستان در دوره معاصر محسوب می‌شود. وی در اوایل دهه نخست قرن ۱۳ ق در شهر کابل به دنیا آمد. علوم رایج را در کابل نزد عالمان زادگاهش فراگرفت. پدر و خاندانش به طریقت چشتیه تعلق داشت و خواجه مستان شاه این طریقت عرفانی را از پدرش و پیران طریقت در کابل فراگرفت. به‌مرورزمان وی شهرت فراوان کسب نمود و در زمره بزرگان طریقت چشتیه و عرفان و تصوف قرار گرفت.

وی آثارش را در قالب نظم و نثر در رساله‌هایی تدوین نمود. در حال حاضر *آتشکده وحدت* (دیوان اشعار وی) مهم‌ترین اثر وی است که در دسترس است. *دیوان ثانی*، *یوسف زلیخا به نظم*، *سراج الصالحین*، *مخمس چهل اسرار* و رساله‌های دیگر مجموعه آثار وی بوده‌اند که تاکنون منتشر نشده است. خواجه مستان شاه اغلب اشعارش را در قالب غزلیات زیبا و دلکش سروده، طوری که خواننده را به خود جذب می‌کند.

مستان شاه کابلی بانفوذ و شهرت که در عصر امیر حبیب‌الله‌خان به دست آورده بود از افغانستان تبعید گردید و مدت‌زمانی را با مریدان و دوستدارانش در پشاور و برخی شهرهای پاکستان سیاحت نمود و سرانجام در سال ۱۲۸۴ ش وارد کشمیر گردید. بعد طی مدتی اقامت در آن‌جا به دهلی رفت و در آن دیار رحل اقامت گزید و تا پایان عمر در آن‌جا باقی ماند. سرانجام وی در پایان قرن ۱۳ ق حدود سال ۱۲۹۳ ش در همان‌جا درگذشت.<sup>۱</sup>

مستان شاه کابلی سروده‌هایش همگی دربردارنده مسائل عرفانی و تصوفی است. وی در پایان همه سروده‌هایش (مستان شاه) تخلص کرده است. مستان شاه کابلی در جای‌جای اشعارش به شخصیت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام و حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام توجه خاص دارد. قصیده‌ای طولانی و مشهور وی در توصیف شخصیت و سیمای حضرت علی علیه السلام در میان عرفان‌پژوهان از شهرت بسزا برخوردار است. خواجه مستان شاه کابلی در این قصیده ۴۳ بیتی

۱. کهزاد، احمدعلی و دیگران (پنج استاد)، تاریخ ادبیات افغانستان، ص ۳۷۱.

سیما و شخصیت حضرت علی علیه السلام را با بررسی‌های تاریخی و عرفانی، به شعر کشیده است. بخش‌های از این قصیده طولانی مورد زیر است.

ای پادشاه انس و جان، مستان سلامت می‌کند

وی مایه ایمان و جان، مستان سلامت می‌کند

ای شاه برج «لافتی» وی ماه برج «اینما»

شمس الهدی، بدرالدجا، مستان سلامت می‌کند

ای نور ذات کبریا، وی روح پاک مصطفی

ای «لحمک لحمی» تو را، مستان سلامت می‌کند

شاه ولایت شد خطاب، حیدر و صفدر بو تراب

شیر خدا مالک رقاب، مستان سلامت می‌کند

شهباز اوج لامکان، سدره نشین عرشیان

ای شاه مردان جهان، مستان سلامت می‌کند

تاج شرف بر سر تویی، هم ساقی، کوثر تویی

ای خضر ره رهبر تویی، مستان سلامت می‌کند

هم در مدینه هم نجف، بلخ از تو یابیده شرف

مظهر عجائب هر طرف، مستان سلامت می‌کند

در راه حق هفتاد بار، سر دادی ای عالم تبار

فخر همه اهل کبار، مستان سلامت می‌کند

هر دم سلام و هم درود، اندر قیام و در قعود

از حب خلاق و دود، مستان سلامت می‌کند

ای پایه‌ی عرش برین، قانع به یک قرص جوین

کرده خدایت آفرین، مستان سلامت می‌کند

ماه شریعت اکتساب، مهر طریقت ای جناب

نور حقیقت بو تراب، مستان سلامت می‌کند

هستی بشیر و هم نظیر، ای صاحب خم غدیر

بر جمله شاهان، امیر، مستان سلامت می‌کند

(مستانه شاه) را یک نظر، سازش تو ای رشک قمر

مستغنی از جمله بشر، مستان سلامت می‌کند<sup>۱</sup>

۱. کابلی، خواجه مستان شاه، دیوان خواجه مستان شاه کابلی، ص ۵۰.

با دقت در این ابیات از قصیده مدحیه مستان شاه کابلی وی بیشتر نگاه عرفانی در مورد شخصیت آن حضرت به کار برده است. مستان شاه با بهره‌گیری از تاریخ و سرگذشت حیات پربار امیرالمؤمنین علیه السلام جلوه‌های معنوی و عرفانی شخصیتش را بیشتر پررنگ ساخته است. شاه ولایت، حیدر صفدر، شیرخدا، شاه مردان، ساقی کوثر، رهبر و راهگشا، صاحب عید غدیر خم، برخی از صفاتی است که وی در تکریم شخصیت آن حضرت به کار برده است. مستان شاه شرافت بلخ، نجف و مدینه را از وجود مبارک حضرت امیر علیه السلام دانسته است.

### ۶- غلام سرور دقان

غلام سرور دقان از شاعران متصوفه افغانستان در سال ۱۲۸۲ ش در منطقه دهبوری شهر کابل به دنیا آمد. در کتب معمول وقت مانند دیوان حافظ، بوستان و گلستان سعدی و... و خط نستعلیق را فراگرفت. وی در طول زندگی در مشاغل چون: کارمندی وزارت مالیه، آموزگاری در مکاتب دولتی، بخشداری مناطق قریه هزاره‌جات در پنجشیر و استالف کابل و کارمندی بانک ملی ایفای وظیفه نمود. در میان‌سال‌ها در معرض تغییرات شدید فکری، مشاغل رسمی را برای همیشه ترک گفت و سالیان از عمرش را در «بلخ، هرات و غزنی» به الهام‌گیری از عارفان بزرگ چون سنایی، مولانا و جامی سپری کرد.

دقان در مدت‌زمان اقامت در هرات به ایران نیز سفر نمود و آثار شاعران آن دیار را مطالعه و با بازگشت به افغانستان به پای صحبت شاعران بزرگ هم‌عصرش در هرات و کابل نشست. پس از بازگشت از سفر بیت‌الله‌الحرام املاک و دارایی‌هایش را به آموزش و پرورش افغانستان بخشید. در سالیان آخر عمرش زندگی‌اش را از طریق قالی‌فروشی تأمین می‌کرد. وی سرانجام در سال ۱۳۵۴ ش درگذشت و در منطقه گلخانه چهاردهی کابل به خاک سپرده شد. از مجموعه شعر بنام «مزرعه دقان» به نشر رسیده است.

وی اشعارش را در قالب‌های غزل، قصیده، رباعی و... در موضوعات فرهنگی، اجتماعی، دینی و مذهبی و عرفانی سروده است. بخش عمده اشعار وی را ابیات صوفیانه و عرفانی‌اش تشکیل می‌دهد. وی تنها راه رسیدن به کمال را از طریق



خودسازی و تأمل در خلق و حق، شریعت و طریقت ممکن می‌داند. دقان بر اساس روش اویسی<sup>۱</sup> زندگی‌اش را سپری نموده و تصوف و عرفان را با در نظر گرفتن خلق، اجتماع و شریعت می‌پذیرد.

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در منظومه فکری غلام سرور دقان جایگاه مهم دارد. نمونه‌ای از سروده‌ی وی در شأن حضرت علی (علیه السلام) غزل زیر است. چون تو فرزندی، اگر در کعبه، مادر یافته

کعبه هم یک بت‌شکن، مثل تو، کمتر یافته  
پیش از آن کز کوثر و طوبی، نشانی هم نبود  
مستی عشق، از لب لعل تو کوثر یافته  
از دم صبح ازل تا آخر شام ابد  
عقل، اعجاز تو را، در بحر و در بر یافته  
یا علی! یک کعبه تنها، شاهد وصف تو نیست  
مصطفی در شهر علم خود، تو را دریافته  
گر رود خورشید، در خیل غلامانش رواست  
آن‌که اندر ملک خوبی چون تو دلبر یافته<sup>۲</sup>

وی در این غزل به صفات ذاتی که از جانب خداوند متعال به آن حضرت اعطاشده و نیز خصایص و فضایل که در تاریخ و در شأن آن حضرت همانند: تولد در خانه کعبه، بت‌شکنی، ساقی کوثر بودن، کرامات فراعقلی و درب شهر علم نبوی، آمده، اشاره نموده است.

## ۷- صوفی غلام نبی عشق‌ری

۷۹

صوفی غلام نبی عشق‌ری فرزند محمدرحیم از شاعران و عارفان مشهور دوره معاصر افغانستان در سال ۱۲۷۱ ش در دهکده چهل‌تن پغمان کابل به دنیا آمد.

۱. در تصوف هر مرید که پیرو یک طریقت است لاجرم باید از پیروی طریقت و دستورات عرفانی‌اش پیروی کند. در برخی طریقت‌ها علاوه بر بهره‌بری از فیض پیر موجود از روحانیت‌های پیر درگذشته نیز بهره‌بری می‌شود که به این روش اویسی گفته می‌شود.

۲. صابری هروی، سید جلیل، شعرای عصر حاضر افغانستان، ص ۸۷۳-۸۷۹.

خاندان وی تجارت پیشه بودند و از این جهت وی در وضعیت اقتصادی خوبی قرار داشت. صوفی عشق‌ری در کودکی پدر و مادرش را از دست داد و از این جهت از تحصیلات کلاسیک بازماند. وی قرآن کریم و کتب متداول فارسی را در مکاتب خانگی فراگرفت. در جوانی به عالم شعر و ادبیات قدم نهاد، تمامی اموال و دارایی‌های باقی‌مانده از پدرش را در راه عیاری صرف نموده و راه انزوا به پیش گرفت.

وی تا آخر عمر مجرد زیست و زندگی‌اش را با صحافی و تنباکوفروشی می‌گذراند. عشق‌ری طی سفری به دیارهای شبه‌قاره هند و بخارا از مزارات اولیاء دیدن نمود. وی با اکثر شاعران و صوفیه هم‌عصرش در کابل، هرات، غزنی، بلخ و قندهار در ارتباط بوده و مغازه محقرش محفل حضور جوانان و فرهنگیان بوده است. وی سرانجام در سال ۱۳۵۸ ش درگذشت و جنازه‌اش در قبرستان شهدای صالحین به خاک سپرده شد.

مجموعه سروده‌هایش با عناوینی چون: (از خاک تا افلاک)، (دل‌نالان)، (گزیده‌ای غزل‌های عشق‌ری) و (کلیات صوفی عشق‌ری) توسط اشخاص و نهادهای گوناگون منتشر شده است.<sup>۱</sup> اشعار صوفی عشق‌ری روان و دربردارنده مضامین چون: نعت پیامبر صلی الله علیه و آله، خلفا راشدین به‌ویژه حضرت علی علیه السلام، وضعیت اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اخلاقی، کشور و مسائل عرفانی و صوفیانه است که بخش عمده سروده‌های وی را اشعار عرفانی و تصوفی تشکیل می‌دهد. نمونه‌ای از سروده‌های وی در توصیف شخصیت حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه السلام غزل زیر است.

<p>پادشاه اولیا تو شاه اولیاستی ما دل‌شکستگان ز ره دور آمدیم اعما به روضه‌ای تو به بینایی می‌رسد خلقی به آستان تو ایستاده با امید سردار کائنات ترا خواند جسم خویش</p>	<p>ساقی حوض کوثر و شیر خداستی با عاجزان کوثر و شیر خداستی تو نور چشم عالمی و توتیاستی حاجت بر آر باشی و مشکل‌گشاستی تو مظهرالغرایب و سرّ خداستی</p>
---	---

۸۰

۱. عشق‌ری، صوفی غلام‌نبی، کلیات صوفی عشق‌ری، پیشین، ص ۱۹۵.

جانبازیت برای خداوند روشن است از باعث شهادت خود با لواستی می‌ساز شاد این دل ناشادم از کرم چون در طریق جود و سخا مرتضاستی چشم شفاعتی به تو زان دارد (عشقری) یار محمدی و به حق آشناستی<sup>۱</sup> صوفی عشقری در این غزل بر اساس مشرب صوفیانه و عرفانی خویش همانند سایر هم‌کیشانانش حضرت علی علیه السلام را شاه اولیاء خطاب کرده است که در وجودش صفات چون ساقی حوض کوثر بودن، مشکل‌گشا بودن، شیر خدا (اسدالله‌الغالب) بودن، مظهر‌الغرایب و جانبازی در راه خداوند، صاحب جود و سخا داشتن نهفته است و از آنجایی که آن حضرت یار پیامبر صلی الله علیه و آله است وی خویشتن را منتظر شفاعت آن جناب و وجود مبارکش را عامل شادی غم‌های درونی‌اش معرفی نموده است.

#### ۸- مولانا نیازاحمد فانی

مولانا نیازاحمد فانی فرزند نیک‌محمد در سال ۱۳۱۵ ش به در منطقه چهاردهی کابل به دنیا آمد. از تحصیلات وی اطلاعی در دست نیست. جدش محمدجان جانان (متوفی ۱۳۱۶ ش) مؤسس خانقاه علماءالدین کابل و پدرش نیک‌محمد خادم (متوفی ۱۳۴۵ ش) سرپرست این خانقاه هر دو از صوفیان نامدار بوده‌اند. نیازاحمد فانی از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۶ ش رهبری این خانقاه را بر عهده داشته است. وی دو اثر منظوم (ریاض‌العرفان) که در آن به موضوعات چون عشق، اخلاق، قرآن و حدیث و عرفان و تصوف پرداخته‌شده و (روضه‌الیقین فی سیرة سیدالمرسلین) در نعت و توصیف شخصیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از خویش برجای گذاشته است. فانی در سال ۱۳۸۶ ش درگذشت و در کنار پدر و جدش در خانقاه علماءالدین به خاک سپرده شد.<sup>۲</sup>

فانی در کتاب ریاض‌العرفان خویش در نعت خداوند، مدح و ثنا پیامبر صلی الله علیه و آله اهل بیت و اصحابش و اولیاء و انبیاء الهی سروده‌های فراوانی دارد که حضرت

۱. همان، ص ۲۰۳.

۲. صیقل، محمد احسان، چراغ معرفت کلید سعادت ص ۶۰.

امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام در منظومه فکری و شعری وی از جایگاه والایی برخوردار است. غزل طولانی وی در فضیلت و شخصیت آن حضرت، مبین این مطلب است که در این جا بخش‌های از آن را گزینش نموده‌ایم.

<p>پیش‌وای اولیا آن مرتضی آنکه فرمود خاتم پیغمبران شهر علم مصطفی را چون در است آن شجاع هم سخی مهربان گریه سه قسم است ای اهل وقار ثانی از خوف قهر ذوالجلال گریه اول بود بی شک سبب ثانی اش باشد طهارت از عیوب هر یکش را یک ثمر باشد بدان شاه مردان آن برادر با نبی این‌چنین ابلاغ برای مسلمین از طفیل جود حیدر یا معین (فانی) بیچاره دارد آرزو</p>	<p>آنکه گفت وی از من است بدرالدجی هرکه را مولاستم باشد علی مولای آن فاتح خیبر وصی سرور است این‌چنین فرمود برای مؤمنان اول از خوف عذاب کردگار ثالث از خوف قطیعت از وصال از برای محو عصیان و کرب ثالثش خوشنودی علام‌الغیوب بی‌ثمر نبود بکاء خائفان میر میدان یار سرور متقی از ره لطف و کرم کرده ببین کن ترحم یا غفورالمدنبن تا بود با یار جانی روبه‌رو<sup>۱</sup></p>
--	--

نیاز احمد فانی در این ابیات از غزل خویش حضرت علی علیه السلام را پیش‌وای اولیاء که به گفته پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله از آن حضرت مولای مؤمنان خوانده شده است می‌داند. ولی اولیاء، شهر علم، فاتح خیبر، وصی پیامبر، سرور مؤمنان، شاه مردان، برادر پیامبر، میر (شیر) میدان‌های نبرد، شجاع، بخشنده، مهربان و سرور پرهیزگاران صفاتی است که وی در وصف آن حضرت بیان داشته است. فانی با نقل حدیثی در قالب حکایت شعری گریه را از زبان حضرت علی علیه السلام به قسم تقسیم نموده است.

اول گریه از خوف عذاب الهی، دوم گریه از قهر خداوند و نوع سوم گریه به

۱. فانی، نیاز احمد، ریاض العرفان، ص ۱۷۶.

امید به بهشت رسیدن که این سه نوع گریستن در گفتار آن حضرت در نهج البلاغه موجود است که آن حضرت فرمودند: «ان قوماً عبدوا الله رغبةً فتلك عبادة التجار، وإن قوماً عبدوا الله رهبةً فتلك عبادة العبيد، وإن قوماً عبدوا الله شكراً فتلك عبادة الاحرار»؛ گروهی خدا را به امید بخشش پرستش کردند که این پرستش بازرگانان است و گروهی او را از روی ترس عبادت کردند که این عبادت بردگان است و گروهی خدا را از روی سپاسگزاری پرستیدند و این پرستش آزادگان است.<sup>۱</sup> فانی این کلام حضرت علی (علیه السلام) را منشوری برای بندگی خداوند می‌داند که از زبان مبارک آن حضرت جاری شده است.

#### ۹- عبدالقهار عاصی

عبدالقهار عاصی شاعر و نویسنده شهیر معاصر افغانستان در سال ۱۳۳۵ ش در روستای ملیمه ولایت پنجشیر افغانستان به دنیا آمد. طی سالیان ۱۳۵۷-۱۳۷۰ ش در دوران حاکمیت کمونیست‌ها و بخشی از حکومت مجاهدین در افغانستان سروده‌هایش را در تعارض با حکومت سرود. در دوران جنگ‌های داخلی افغانستان به ایران مهاجر شد. طی چند ماه اقامت در شهر مشهد با شاعران و فرهنگیان مهاجر افغانستان در مشهد و برخی شاعران ایرانی آشنا گردید و آثار شاعران ایرانی را مطالعه نمود و سپس دوباره به افغانستان بازگشت. پس از بازگشت به افغانستان در جنگ‌های گروهی بر اثر اصابت موشک به منزلش کشته شد. وی در دهه ۱۳۶۰ ش به گونه برق‌آسا از چهره‌های برتر شعر فارسی در افغانستان تبدیل گردید. مقامه گل سوری، دیوان عاشقانه باغ، غزل من و غم من، تنها ولی همیشه، از جزیره خون، از آتش از ابریشم، سال خون سال شهادت، رباعیات و دوبیتی‌ها، مجموعه سروده‌های عبدالقهار عاصی است که در قالب سپید و کلاسیک سروده و تا کنون بارها منتشر شده است.<sup>۲</sup>

عاصی سروده‌هایش را در موضوعات گوناگون سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و دینی و مذهبی سروده است. قصیده‌ی (یا علی) وی برگرفته از دفتر (از آتش از

۱. نهج البلاغه، حکمت ۲۳۷.

۲. عاصی، عبدالقهار، شهر بی قهرمان، به کوشش احمد معروف کبیری، با تلخیص، ص ۱-۲۰.

ابریشم) وی است که در وصف حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام سروده است.

من و ذکر نام تو یا علی که کشانی‌ام به هدایتی  
مگر از تو چشم عنایتی، برساندم به ولایتی  
همه تن خلوص و ارادتم، به مقام و فضل و کرامتت  
که ز جمع خاص محمدی، تو نمونه‌ای تویی آیتی  
سر راه باد سحر منم، بنشسته دیده‌ی تر منم  
که ز باغ فضل تو بو برم، به اشارتی به کنایتی  
سر و پا امیدم و آرزو، سر و پا تپیدن و جستجو  
که از آستان جلال تو، رسدم پیام حمایتی  
بر و دوش بام فلک علی، پروبال مرغ و ملک علی

به سخا و لطف محک علی، چه حدوده‌ای، چه نهایتی<sup>۱</sup>  
عبدالقهار عاصی شاعری است رئالیست و واقع‌گرا که در سروده‌هایش با گذر  
از دنیای خیال به واقعیات و چشم‌دیدهایش تکیه نموده است. وی با درک  
محسوسات و فهم واقعیات تاریخی و فرهنگی سروده‌هایش را به تصویر کشیده  
است.

عاصی در قصیده‌ی (یا علی) خویش واقعیات را که در خود کم می‌بیند از  
منبع این واقعیات یعنی حضرت علی علیه السلام طلبیده است و سیمای نورانی آن  
حضرت را به‌عنوان انسان کامل ترسیم نموده است. وی توجه به شخصیت و نام  
حضرت علی علیه السلام را با توجه به صفات درونی و بیرونی آن حضرت موجب  
هدایت خویش دانسته و عنایت آن حضرت را در حق خویش موجب رسیدنش  
به مقام ولایت شمرده است.

وی حضرت علی علیه السلام را دارنده مقام فضل، کرامت، از جمع خاصان پیامبر صلی الله علیه و آله  
و نمونه و نشانه‌ای از بهترین‌ها برشمرده است. عاصی خویشتن را منتظر نگاه،  
توجه و حمایت آن حضرت دانسته و سخا و لطف، آن حضرت را بی‌نهایت

۱. همان، ص ۲۵۸.

توصیف نموده و بارگاه و آستان آن حضرت را پناهگاه متوسلان به درگاهش شمرده است. او عنایات حضرت امیر علیه السلام را با توجه به واقعیات و رویدادهای تاریخی برگرفته از شخصیت و زندگی آن حضرت بی‌حدومرز تعبیر نموده اما عنایت آن حضرت را در حق خودش ولو اینکه به یک نگاه، یک اشاره و یا یک کنایه کوچک از ناحیه آن حضرت باشد کافی دانسته است.

#### ۱۰- نجم العرفا غلام حیدر حیدری وجودی

غلام حیدر متخلص به حیدری وجودی فرزند مولانا شفیع‌الله، در سال ۱۳۱۸ ش در روستای کوت بازارک ولایت پنجشیر به دنیا آمد. در سال ۱۳۲۶ ش در مکتب ابتدائی رخه پنجشیر مشغول به تحصیل گردید و همزمان در مدارس دینی آنجا کتاب‌های قاعده بغدادی، قرآن کریم، خلاصه، کنز، قدوری، مختصر، شرح الیاس، شرح وقایع و غیره را نزد مدرسین دینی فراگرفت. وی گلستان و بوستان سعدی، دیوان حافظ، مثنوی معنوی مولانا و غزلیات شمس را مطالعه نمود. با اتمام دوره ابتدائی در سال ۱۳۳۳ ش به کابل آمد و بنا بر دلایلی از تحصیل بازماند. از سال ۱۳۳۶ ش تا سال ۱۳۴۲ ش دوران سربازی را گذراند. در سال ۱۳۴۳ ش در انجمن شعرای افغانستان که در زیرمجموعه وزارت معارف افغانستان قرار داشت به‌عنوان منشی ایفای وظیفه نمود از سال ۱۳۴۳ ش کارمند کتابخانه عامه افغانستان گردید که تا به حال در این نهاد مشغول ایفای وظیفه می‌باشند. وی در آغازین روزهای ورودش به کابل با مولانا خال محمد خسته، صوفی غلام نبی عشق‌ری و شایق جمال سه تن از شاعران نام‌آشنا در افغانستان معاصر آشنا گردید.<sup>۱</sup>

۱. این سه شاعر در اصلاح و نقد سروده‌هایش به وی کمک می‌کردند. وی همچنین در انجمن شعرای افغانستان از شاعران و نویسندگان مانند ملک‌الشعرا بیتاب، نوید، فکری سلجوقی، صلاح‌الدین سلجوقی، گل پاچا الفت، محمد انور بسمل، شایق هروی، بهره جست. وی با توجه به کهولت سن و بیماری که دارد در حال حاضر یکی از معتبرترین چهره‌های هست که سنت‌های شفاهی عرفانی و صوفیانه افغانستان معاصر را به‌خوبی می‌داند و قریب به اتفاق تمام چهره‌های عرفانی متأخر افغانستان را می‌شناسد و نسبت به شخصیت و اندیشه‌های آنان معلومات قابل‌توجهی دارند.

در سیر و سلوک تصوفی خط فکر اصلی وی، طریقه نقشبندیه است که از شهید محمدابراهیم مجددی ملقب به ضیاءالمشایخ مجددی از شخصیت‌های مشهور عرفانی افغانستان تلقین گرفته است. حیدری وجودی در بخش‌های فرهنگی فعالیت داشته و بیست سال و اندی به تفسیر مثنوی مولانا جلال‌الدین بلخی و نیز سنت بیدل‌خوانی مشغول است. تاکنون چندین بار به اجلاس علمی بین‌المللی پیرامون مولانا جلال‌الدین بلخی در کشورهای جمهوری اسلامی ایران، پاکستان، هند و ترکیه به‌عنوان سخنران و نماینده افغانستان حضور داشته است. در طول هفته دو مرتبه مجلس درس وی در این دو حوزه عرفانی در بخش جراید کتابخانه عامه کابل برقرار است.<sup>۱</sup>

در سال ۱۳۹۳ ش به سبب فعالیت‌ها و خدمات فرهنگی‌اش، از جانب حامد کرزای رئیس‌جمهور وقت افغانستان، نشان عالی فرهنگ به وی اهداء گردید. همچنین در سال ۱۳۸۳ ش از جانب فرهنگیان مقیم در شهر کابل (شعرا و نویسندگان) در برنامه شب‌های کابل که در هر ماه یک‌بار برگزار می‌گردد و به تجلیل از شخصیت یک چهره فرهنگی می‌پردازد لقب «نجم‌العرفا» به ایشان اعطا گردید.

حیدری وجودی شانزده اثر تألیف دارد که چهارده مورد از آن‌ها منتشر شده است. بیشتر آثار و تألیفات وی عرفانی و تصوفی است که بیشتر به شیوه ادبی نگاشته شده که در زیر معروف‌ترین آثار وی معرفی می‌گردد.

۱- شرح بر مثنوی معنوی مولانا جلال‌الدین بلخی: نتیجه مطالعات و تدریس بیست‌ساله ایشان در حوزه مولانا که هنوز منتشر نشده است. ۲- مجموعه مقالات: در حوزه عرفان و تصوف چاپ شده در مجلات معتبر علمی کابل. ۳- شرح اسرار خودی و رموز بی‌خودی محمد اقبال لاهوری ۴- سایه معرفت: مجموعه سروده‌های خانقاهی عرفانی که تاکنون چهار مرتبه منتشر شده است. ۵- تصحیح و مقدمه بر افلاک عشق صوفی غلام نبی عشقوری و ۶- تصحیح دل‌نالان صوفی غلام نبی عشقوری.<sup>۲</sup>

۱. مونس، محمدمتین، تصوف و عرفان در سروده‌های عرفای معاصر، ص ۲۸۲-۲۸۷.

۲. حیدری وجودی، غلام حیدر، سایه معرفت، صص ۱-۱۸ و نوش‌آبادی، تاج‌الدین، «مدخل



در میان سروده‌های حیدری وجودی بعد از نعت و ستایش خداوند و مدح پیامبر صلی الله علیه و آله حضرت امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب علیه السلام و امام حسین علیه السلام در تفکر شاعرانه و عارفانه وی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. (بیشه‌ی وجود) یکی از غزلیات وی است که در آن به توصیف سیما و شخصیت حضرت علی علیه السلام پرداخته است.

در بیشه وجود تو شیر خدا علیست  
 شمشیر حق به دست و دل مصطفی علیست  
 تا حشر در قلمرو اقلیم اولیا  
 میر و امیر و صاحب فوج و لوا علیست  
 مردی که با ثبات به میدان زندگی  
 بر دوش دل کشد علم کبریا علیست  
 پشمین کلاه فقر نهادند بر سرش  
 فرمانروای سلطنت بوریا علیست  
 از جان و دل گدای در اوست  
 زهر دلی در کارگاه عشق شه اولیا علیست  
 راضی بود ز حضرت او ذات بی‌نشان  
 از بندگان خاص خدا مرتضی علیست  
 بسیار هست راهبر و راهنما  
 ولی از بهر خلق راهبر و رهگشا علیست  
 در انبیا رسید فتوت خلیل را  
 در اولیا نشان فتوت فتا علیست  
 زیبا و زشت از کرمش ناامید نیست  
 دریای بی‌کرانه جود و سخا علیست  
 آینه جمال و جلال و کمال حق  
 نور حضور سینه خیرالورا علیست  
 بعد از خدا به راز دل فخر کائنات  
 از راه دیده و دل و جان آشنا علیست  
 وصفش همین بس است که در گلشن جهان  
 سرور و آن باغ دل مصطفی علیست

گردوغبار شرک ندید است سینه‌اش  
 سر تا به پای آینه حق نما علیست  
 سر داد در نماز به درگاه بی‌نیاز  
 با تیغ حق شهید طریق رضا علیست  
 امواج نوری نگهش آیت شفاست  
 هر درد را به عالم هستی دوا علیست  
 آرام‌بخش جان و دل دردمند ما

ای حیدری سکینه مهر و وفا علیست<sup>۱</sup>

وی در این غزل به جنبه‌های تاریخی، عرفانی، اخلاقی و اجتماعی شخصیت حضرت علی علیه السلام اشاره نموده است. اخلاص آن حضرت در عبادت برای خداوند، سرسلسله بودن حضرت امیر در طریقت‌های عرفانی، ولایت عرفانی و معنوی آن حضرت بر تمام اولیاء، شجاعتش در میدان‌های جنگ و کارزار، قناعت و فقر پذیری‌اش در زندگی شخصی، پیش‌آهنگی و پاکی‌اش در ایمان، نخست ایمان آوردنش به خدا و رسول خدا، علم لدنی، دستگیری نیازمندان، بخشش در راه خداوند، همدل و همراز بودن با رسول خدا و شهادت در هنگام سجده و نماز در راه خدا، برخی از صفات آن حضرت است که حیدری وجودی در این غزل در سیمای مبارک حضرت علی علیه السلام منطبق دانسته است.

#### ۱۱- عبدالعزیز مهجور

محمد عبدالعزیز مهجور شاعر، عارف، بیدل‌پژوه مشهور معاصر افغانستان فرزند زنده‌یاد استاد محمد عبدالحمید اسپر (قندی آغا) در سال ۱۳۲۴ ش در یکی از محلات شهر قندهار به دنیا آمد. هنگامه تولد وی مصادف بوده با تبعید پدرش توسط دولت وقت (محمد نادرشاه) در ریگستان‌های جنوب افغانستان و قندهار. دودمان وی همه در عرصه علم و فرهنگ اشتغال داشته است. با بازگشت از تبعید به کابل، مهجور تحصیلاتش را در کابل تا درجه لیسانس در رشته اقتصاد که در دانشگاه کابل سپری کرده بود فراگرفت و در کنار تحصیلات رسمی مطالعه روی شخصیت و اندیشه‌های بیدل زیر نظر پدرش و عموهایش که همگی از بیدل‌شناسان و بیدل‌پژوهان به نام افغانستان بودند، ادامه داد.

۱. حیدری وجودی، پیشین، ص ۵۹.

وی در طول عمرش در ادارات دولتی در هرات و کابل در بخش‌های اقتصادی از جمله بانک ملی افغانستان فعالیت داشته است؛ و تاکنون ۳۲ اثر در عرصه‌های مختلف تألیف نموده است که ۲۲ اثر آن در زمینه‌ی بیدل‌شناسی است. وی در حال حاضر در کابل حضور دارد و خودش و فرزندانش همگی در عرصه زبان و ادبیات فارسی و عرفانی به تحقیق و تدریس اشتغال دارند. وی تاکنون به‌عنوان نماینده رسمی افغانستان به کشورهای جمهوری اسلامی ایران، هندوستان، پاکستان، امارات متحده عربی برای سخنرانی در محافل ادبی و عرفانی شرکت نموده است.

مهجور در کنار تألیف و تحقیق، شاعری توانا است که سروده‌هایش را در قالب‌های گوناگون در موضوعات مختلف سروده است. وی شخصیت حضرت علی (علیه السلام) را در قالب تحلیل و تفسیر اندیشه‌های ابوالمعانی میرزا عبدالقادر بیدل بررسی کرده است. در این جا ابیاتی از غزل وی را که در نعت پیامبر سروده و کوتاه اشاره‌ای به شخصیت حضرت علی (علیه السلام) و حادثه خون‌بار کربلا دارد گزینش نموده‌ایم.

<p>ای خاتم نبوت و ای ذات مصطفی قرب اله مقام تو و عرش منزلت وللیل موی دلکش و گیسوی عنبرت عطر وجود توست که گل ناز می‌کند صبح ولایت از افق آسمان دمید این سرخی نشسته به دامان آسمان (مهجور) را ز خاک درت بهره بده</p>	<p>ای سرور دو عالم و ای تاج انبیا ای در صفات حق همه چون ذات کبریا والشمس صورت تو پر از مهر مرحبا بلبل درود و نعت تو گوید به صد نوا در شهر فضل باب علوم است مرتضی رنگین به خون نموده شهیدان کربلا دور از حریم کوی تو افتاده‌ام ز پا<sup>۱</sup></p>
--	--

## ۱۲- صوفی نثاراحمد نثاری

نثاراحمد نثاری شاعر، متصوف، فعال سیاسی و نظامی در سال ۱۳۲۳ ش در

برکی برک ولایت لوگر افغانستان به دنیا آمد. پس از گذراندن دوره متوسطه در زادگاهش وارد کابل شد و وارد دانشکده نیروی هوایی افغانستان گردید. وی در رشته مخابرات نظامی، تحصیل و در نیروی هوایی کشور استخدام گردید. با روی کار آمدن رژیم کمونیستی بر سر قدرت از ارتش اخراج و مدت زمانی را به دلیل داشتن باورهای اسلامی زندانی گردید. پس از رهایی از زندان کمونیست‌ها به صف مجاهدین پیوست و در حال حاضر دبیر حزب جبهه نجات ملی افغانستان به رهبری صبغت‌الله مجددی است.

وی در تصوف پیرو طریقت نقشبندیه مجددیه و از مریدان محمدابراهیم مجددی ملقب به ضیاءالمشایخ است. نثاری در طول دوران زندگی با بزرگان عرفان و تصوف افغانستان هم‌عصرش در ارتباط بوده است. صوفی غلام‌نبی عشق‌قوی، شایق جمال، مولانا خسته، حیدری و جودی، خواجه محمدنعیم صدیق، غلام‌مصطفی فکرت، از شاعران نام‌آشنای معاصر افغانستان از دوستان وی بوده است.

وی با مطالعه اشعار شاعران بزرگ چون: مولانا، بیدل، جامی و با کسب فیض از بزرگان عرفان و تصوف و با مشاهده اوضاع نابسامان اجتماعی و سیاسی کشور باورهایش را به شعر کشیده است.<sup>۱</sup> بخش اعظم سروده‌های وی را اشعار عرفانی تشکیل می‌دهد. در این دسته از اشعارش وی به نعت خداوند، مدح پیامبر صلی الله علیه و آله، اهل بیت نبی، اصحاب و یاران، امام علی علیه السلام، امام حسین علیه السلام، بزرگان عرفان و تصوف، پرداخته است. در میان این بخش، سیما و شخصیت حضرت علی علیه السلام جلوه‌ای روشنی دارد. قصیده زیر یکی از سروده‌های وی در مورد آن حضرت است.

۹۰

یا علی مشکل‌گشا مشکل ما حل نما  
مشکل ما حل نما یا علی مشکل‌گشا  
کیست در این روزگار، ای مه‌گردون وقار  
صاحب جاه و حشم منبع جود عطا  
بخش رهایی دلم، زین همه رنج و الم  
ای به شجاعت علم، ای به ولایت لوا

۱. نثاری، نثار احمد، آینه سرشک، ص ۱-۲۰.

هست علی ای شهان از نظر عارفان  
 شیر نیستان جان، محرم بزم لقا  
 لحمک لحمی شها، جسمک جسمی حقا  
 گفته در شأن شما خواجه هر دو سرا  
 لافتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار  
 می رسد از گوش‌ها، از زبان مصطفی  
 نور گیرد هر دلی در خفی و در جلی  
 در زمین از بوالعلی در سما از بوالعلی  
 نادعلی را بخوان چون نثاری هر زمان  
 تا که به دادت رسد حضرت شیر خدا<sup>۱</sup>

قصیده‌ای فوق که در سالیان جنگ و اختلافات داخلی افغانستان توسط وی سروده شده به نوعی حکایت‌گر این مسئله است که وی حضرت علی (علیه السلام) را پناهگاه دردهای خویش دانسته و با توجه به صفات، ویژگی‌ها و جایگاه که آن حضرت در عالم هستی، می‌تواند نجات‌بخش وی از دردها و رنج‌های درونی و برونی‌اش باشد. نثاری در این قصیده حضرت علی (علیه السلام) را پرچم‌دار ولایت، دارنده جاه و جلال، منبع سخاوت، جود و عطا، پاره‌ای تن پیامبر ﷺ بنا بر تصریح شخص حضرت رسول، شاه ولایت و شیر خدا خطاب کرده است.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۱- حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) از جایگاه مهم و بی‌بدیلی در میان اندیشمندان برجسته ادیان و مذاهب مختلف برخوردار است. مسلمانان اهل سنت افغانستان به عنوان یکی از جوامع محب و دوستدار پیامبر ﷺ و اهل بیت طاهرینش که در طیف‌های گوناگون تقسیم می‌شوند عشق وافر به امام علی (علیه السلام) دارند. آنان اظهار علاقه و محبت خویش را نسبت به امام علی (علیه السلام) در قالب نظم و نثر بیان کرده‌اند.

۲- محبت به اهل بیت پیامبر ﷺ به ویژه حضرت علی (علیه السلام) در میان جامعه اهل سنت افغانستان از ریشه‌ها و بسترهای تاریخی، فرهنگی و اجتماعی برخوردار

است. عشق خراسانیان به اهل بیت نبی از دیرزمان تا دوره معاصر که افغانستان امروزی جزء خراسان بزرگ محسوب می‌گردد، مزارات و اماکن منسوب به اهل بیت علیهم السلام در هرات، بلخ و کابل، فعالیت سلسله‌های عرفانی و تصوفی از آغاز پیدایش تصوف در خراسان تا به امروز که غالب آنان سلسله‌شان را به حضرت علی علیه السلام منتهی می‌سازند، نزدیکی مذهب فقهی حنفی به مذهب فقهی و کلامی امامیه و هم‌جواری با ارض طوس (مشهدالرضا) علیه السلام، برخی از مهم‌ترین عوامل در این زمینه بسترساز بوده است.

۳- شاعران به‌عنوان یکی از طیف‌های مهم فرهنگی و اجتماعی در این مسئله پیشگام بوده است. افراد از بدنه سیاست، فرهنگ و دین که از قدرت تخیل و سرایش شعر برخوردار بوده‌اند، بخش‌های از ابیات‌شان را در شأن و شخصیت حضرت علی علیه السلام اختصاص داده‌اند که برای نمونه در این جا به دوازده تن از این افراد اشاره گردید. این افراد با قدرت نازک خیال بخش‌هایی از شخصیت و صفات حضرت علی علیه السلام را به تصویر کشیده‌اند.

۴- مستان شاه کابلی، عایشه درانی، خواجه محمد فضل‌الله مجددی، صوفی غلام نبی عشق‌ری، غلام سرور دقان، صوفی نثاراحمد نثاری و مولانا نیازاحمد فانی بیشتر با آینه عرفان و تصوف به سیمای آن حضرت نگاه کرده‌اند، این طیف در شاه و سرور اولیاء بودن آن حضرت تأکید دارند و راه رسیدن به مقامات عالی عرفانی را منوط بر شناخت و معرفت و پاسداشت شخصیت آن حضرت دانسته‌اند.

سردار احمدخان و محمد عمرخان، دو چهره سیاسی و نظامی بوده است که در ضمن سرایش اشعار مختلف، عشق به مولا علی علیه السلام را در اشعارشان بیان داشته است. عبدالقهار عاصی شاعر رئالیست نیز با تعمق در اوضاع سیاسی و اجتماعی آشفته عصرش به آن حضرت توجه نموده و دردهای خویش را با او بازگو نموده است. نجم‌العرفا غلام‌حیدر حیدری و جودی و محمد عبدالعزیز مهجور دو شاعر و عارف نامدار با شخصیت و فضایل حضرت علی علیه السلام را با بینش تحلیل عرفانی بیدل و مولانا تصویرسازی نموده‌اند.

## فهرست منابع

- احمدی گیوی و دیگران، *زبان و نگارش فارسی*، چ ۲۸، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت). تهران، ۱۳۸۹ ش.
- انصاری، عبدالقیوم، *این حریم حرم مرتضویست*، (جزوه منتشرشده درباره روضه سخی) افغانستان، مزار شریف: تولیت روضه، ۱۳۹۱ ش
- بختیاری، محمد عزیز، *شیعیان افغانستان*، قم: انتشارات مؤسسه‌ی شیعه‌شناسی، ۱۳۸۵ ش.
- پیشوایی، مهدی، *سیره پیشوایان*، چ ۱۴، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۱ ش.
- حیدری وجودی، غلام حیدر، *سایه معرفت (سروده‌های خانقاهی)* کابل: مطبعه عازم، ۱۳۸۹ ش.
- دانشنامه ادب فارسی*، (ادب فارسی در افغانستان) به سرپرستی: حسن انوشه، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ ۲، ۱۳۸۲ ش.
- درانی، عایشه، *دیوان اشعار*، ویرایش و مقدمه: دکتر عفت مستشارنیا، تهران: انتشارات عرفان، ۱۳۸۶ ش.
- راد، سید محمود، *شعرای دری پرداز کابل*، کابل: انتشارات سعید، ۱۳۹۰ ش.
- سعیدی جرجی، احمد، *جایگاه اهل بیت در افغانستان*، چ ۱، قم: ۱۳۸۶ ش.
- صابری هروی، سید جلیل، *شعرای عصر حاضر (افغانستان)* چ ۱، مشهد: نشر نوند، ۱۳۸۰ ش.
- صیقل، محمد احسان، (۱۳۸۸)، *چراغ معرفت کلید سعادت*، چ ۳، کابل، مطبعه سلطانی.
- عاصی، عبدالقهار، شهر بی قهرمان (گزیده شعر عبدالقهار عاصی)، به کوشش احمد معروف کبیری، تهران، انتشارات عرفان، ۱۳۸۵ ش.
- عشقری، صوفی غلام نبی، *کلیات صوفی عشقری*، به اهتمام: عبدالحمید وهاب‌زاده، پیشاور: انتشارات الازهر، ۱۳۷۸ ش.
- غبار، میرغلام محمد، *افغانستان در مسیر تاریخ*، ج ۱، چ ۶، تهران: انتشارات

جمهوری، ۱۳۷۴ ش.

فانی، نیاز احمد، ریاض العرفان، چ ۲ ف کابل: انتشارات نعمانی، ۱۳۸۴ ش.  
فرهنگ، میر محمد صدیق، افغانستان در پنج قرن اخیر، چ ۱۹، تهران:  
انتشارات عرفان، ۱۳۸۵ ش.

قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، مصوب سال ۱۳۸۲ ش.  
کابلی، خواجه مستان شاه، آتشکده وحدت، «دیوان اشعار حضرت خواجه  
مستان شاه کابلی»، مقدمه و تصحیح: دکتر محمد سرور مولایی، تهران: انتشارات  
عرفان، ۱۳۸۷ ش.

کهدوئی، محمد کاظم، ادبیات افغانستان در ادوار قدیمه، (برگرفته از ج ۳ -  
دایره المعارف آریانا) ویراستاری، محمد کاظم کهدوئی، تهران: انتشارات  
بین‌المللی الهدی، ۱۳۸۴ ش.

کهاد، محمد علی و دیگران، تاریخ ادبیات افغانستان (پنج استاد)، با اهتمام  
احمد شاه رفیقی، کابل: کتابخانه نشراتی اقرا، ۱۳۸۶ ش.

مجددی، خواجه محمد فضل الله، عمدة المقامات، افغانستان شهر نو جلال آباد:  
محمد وسیم قاری زاده تاجر کتب، (بی تا)

مونس، محمد متین، تصوف و عرفان در سروده‌های عرفای معاصر افغانستان،  
کابل: آکادمی علوم افغانستان، ۱۳۹۰ ش.

نثاری، نثار احمد، آینه سرشک، (دیوان اشعار) به اهتمام قبول احمد نثاری،  
کابل: مطبعه نوری، ۱۳۸۸ ش.

نهج البلاغه، ترجمه‌ی محمد دشتی، چ ۱، قم: انتشارات حضور، ۱۳۷۹ ش.

وبسایت مکتب‌خانه بیدل: [www.maktabkhanebedil.weebly.com](http://www.maktabkhanebedil.weebly.com)